

فهرست

فصل سوم

- درس هفتم، سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی) ۵۵
 درس هشتم، وزن شعر فارسی ۶۲
 درس نهم، موازنه و ترصیع ۶۹
 آزمون فصل ۳ ۷۵

فصل یکم

- درس یکم، مبانی تحلیل متن ۷
 درس دوم، سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی ۱۵
 درس سوم، واج‌رایی، وژنارایی ۲۰
 آزمون فصل ۱ ۲۷

فصل چهارم

- درس دهم، زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم، و ویژگی‌های سبکی آن ۷۷
 درس یازدهم، قافیه ۸۵
 درس دوازدهم، جناس و انواع آن ۹۷
 آزمون فصل ۴ ۱۰۵

فصل دوم

- درس چهارم، تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیهٔ هجری ۲۹
 درس پنجم، صامتگی باره‌های کلام ۴۰
 درس ششم، سجع و انواع آن ۴۶
 آزمون فصل ۲ ۵۳

پاسخ‌نامهٔ تشریحی ۱۰۷

پاسخ‌نامهٔ کلیدی ۱۲۸

درس یازدهم

قافیه

مقدمه

۴۰ جریان چیه؟ باز هم فراره رابع به موسیقی در شعر هرف پنزیم، رابع به عنصری که کاربرد اصلیش قوی تر کردن جنبه موسیقایی شعره، تو درس ۲ گفتیم که وزن (یا به طور کلی تر موسیقی) ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. این نظم رو توی پایه‌های آوایی همسان دیدی که چه طور تکرار منظم به پایه عروضی، ایواز موسیقی می‌کرد. فلکایت این درس هم همینکه که شاعر یا به تکرار منظم، ایواز موسیقی کنه، تکرار یک یا چند حرف تو به مثل مشخص، یعنی آخر مصرع‌ها.

زاویه دید

درک این که قافیه چه، کار قبلی سفتی نیست! جاهایی که ممکنه تو دام تله تستی برفتی یا سوال امتحانی سخت به نظرت برسه عمدتاً سه پاس؛ اولی تشقیص دادن کلمات قافیه تو به بیت، خصوصاً وقتی با کلمات مرکب یا ردیف‌های ته پندان آشکار طرفی، دومی تفکیک و تشقیص قاعده شماره ۱ و ۲ قافیه، و سومی توانایی تفکیک هروف العاقی با هروف اصلی قافیه. این سه تا رو خوب یاد بگیر، بعد دیگه به مشکل خاص بقوی. درس قافیه یکی از مهم ترین دروس علوم و فنون ادبی دهه، هم تو امتحانات، هم آزمون‌های آزمایشی و هم تو کنکور سراسری که هر سال حداقل یکی دو تا تست قافیه توش هست. حسابی وقت بذار پراش.

وزن سراسل مطلب

خواندیم که شعر، سخنی
 خیال انگیز موزون
 سرشار از عاطفه و احساس است.

وزن به شعر زیبایی می‌بخشد و آن را اثرگذار می‌سازد. می‌گویی نه؟ امتحان کنیم! شعر زیر رو با هم بقونیم:

بپیشیم تا اسب اسفندیار سوی آخور آید بدون سوار
 و یا باره رستم جنگجوی به ایوان نهد بی خداوند روی **«فردوسی»**

بالا فرض کنین همین کلماتو، هوری کنار هم بچونیم که وزنش رو از دست بده:

بپیشیم (که) اسب اسفندیار پیاده به سوی آخور (می) آید یا باره رستم جنگجو بدون خداوند به ایوان رو می‌نهد.

واضحه که چه قدر بار عاطفی و احساسی کلام کم می‌شه! اوچود وزن، اثرگذاری این کلمات پنجاب فردوسی رو چند برابر کرده (تازه به وقت و وسواس این شاعر بزرگ تو انتخاب کلمه‌ها وقت کنی. رابع به اسفندیار کلمات اسب، آخور و سوار رو به کار می‌بره، اما رابع به رستم، قورمان اصلی شاهنامه، کلمات باره، ایوان و خداوند رو و به این ترتیب مقام بالای رستم رو القا می‌کنه).^۱

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید، «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

قافیه و ردیف در شعر

قافیه، واژه‌هایی است که حرف یا حرف آخر آن‌ها مشترک باشد. جایگاه قافیه غالباً در اواخر مصرع‌هاست.^۲

حروف قافیه، حرف یا حروف مشترکی است که در آخر واژه‌های قافیه می‌آیند.

ردیف، کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه — از نظر لفظ و معنی — عیناً تکرار می‌شوند.

۱- **توجه‌های فرهنگی:** از عقده شاهنامه فردوسی زبیر گفتیم و شنیدیم. این ۱۱ می‌فراهم به پیشنهاد جزئی تردیم، لافش رو از داستان‌های شاهنامه رو تماماً بقونیم. منی آگه شده متش رو به تشریحی داستان رستم و اسفندیار و یکی داستان سوارش. همین رو تا کلمه ۲۰ پیشتر فردوسی چه پایه‌های پوره و چه عناصر بناس و شکفت آوری تو داستان‌های شاهنامه وچود داره. بعضش احتمالاً رنگه راتون تخیل جالی شاهنامه رو بقونید!

۲- به دو دلیل می‌گیم غالباً و نمی‌گیم همیشه! ۱) ممکنه آخرین کلمات به مصرع، ردیف باشن نه قافیه و در قافیه مثل غزل یا قصیده، جز مصرع اول باقی مصرع‌های فرد قافیه ندارن. ۲) آگاهی ممکنه وسط مصرع هم قافیه داشته باشیم یا اگر مصرع‌ها دو تا قافیه داشته باشیم که تو ادامه درس خواهیم فون.



نیاز بہ مثال شدیداً حس می‌شود، نه ۱۶ پریم وندتا مثال بیینیم؟

مثال ۱ چون گذارد خشت اول بر زمین معمار، کج گر رساند بر فلک باشد همان دیوار، کج **«قافیه تکراری»**
 خبا گفتیم قافیه واژه‌هایی هستند که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشند و غالباً در اواخر مصراع‌ها به کار می‌روند. دو کلمه «معمار» و «دیوار» این گونه‌اند.

پس واژه‌های قافیه در این بیت «معمار» و «دیوار» هستند. کلمه کج هم که در پایان هر دو مصراع آمده، ردیف است. حروف قافیه، حروف مشترک آخر واژه‌های قافیه است، در این بیت دو حرف «ا» و «ر» در آخر کلمات معمار و دیوار مشترک‌اند. ردیف هم کلماتی (یا کلمه‌ای) که بعد از واژه قافیه عیناً تکرار می‌شود — در این مثال، «کج» ردیف است.

مثال ۲ شب سراق، جو زلفت اگرچه تاریک است امیدوارم از آن رو که صبح نزدیک است **«مفردات ساقی»**



مثال ۳ ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دناوند **«ملک الشعراء پهلوی»**
 واژه‌های قافیه «پای در بند» و «دناوند» هستند و حروف مشترک آن‌ها «ند» است. این شعر، ردیف ندارد.

قواعد قافیه

حداقل حروف لازم برای قافیه، تابع دو قاعده است:

قاعده ۱: هر یک از مصوّن‌های «ا» (با صدای آ) و «و» (با صدای او) به تنهایی می‌توانند قافیه بسازند.

قاعده ۲: گاهی یک مصوّت، با یک یا دو صامت پس از خود قافیه می‌سازد.

مثال‌هایی برای قاعده ۱:

مثال ۱ تو را گم می‌کنم هر روز و پیدا می‌کنم هر شب **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «پیدا» و «زیبا»، واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «ا» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. «می‌کنم هر شب» هم ردیف است که پس از واژه‌های قافیه، عیناً تکرار شده است.

مثال ۲ هیچ دانلی آشنا کردن بگو **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «بگو» و «خوبرو» واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «و» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. بیت ردیف ندارد.

مثال‌هایی برای قاعده ۲:

مثال ۳ چون مرا مجروح کردی، گر کنی مرهم رواست **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «مرهم» و «ماتم» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «م» است؛ یعنی یک مصوّت + یک صامت پس از آن؛ «رواست» ردیف است.

مثال ۴ داری تو گمان که مرغ آن درد **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «درد» و «کرده» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «د» است؛ یعنی یک مصوّت + دو صامت پس از آن؛ بیت، ردیف ندارد.

پیشرو

به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاقی شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها لازم است. (الحاق به معنی متصل شدن و پیوستگی. شنیدی می‌گن فلانی به ما ملحق شد؟ یعنی به ما پیوست. حروف الحاقی هم هروقتی هستند که به کلمه اصلی متصل می‌شوند و می‌پوشند؛ مثلاً وقتی می‌گید «کتابم» (به معنی کتاب من) یا «کتابی» (به معنی یک کتاب) حروف «ت» و «ی» به کلمه اصلی، یعنی «کتاب» ملحق شدند.)

• حروف الحاقی عبارت‌اند از:

الف) شناسه‌ها:

مثال ۸ تو هیچ عهد نیستی که عاقبت نشکستی **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «ت» ست + «ی» حروف قافیه‌اند. «ت» ست حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی»، شناسه دوم شخص مفرد، حرف الحاقی

ب) ضمیر متصل:

مثال ۹ چه لطیف است قبا بر تن چون سرو روان **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «ان» + «ت» حروف قافیه‌اند؛ «ان» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ت»، ضمیر متصل، حرف الحاقی

ب) مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (ت، می، یم، ید، ت‌لد):

مثال ۱۰ چنان در قید مهتر پایبندم **«مفردات ساقی پهلوی»**
 «ت» + «م» حروف قافیه‌اند. «ت» ند حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «م»، به معنی هستیم، حرف الحاقی

۱- با افزودن گلی اینج (ا) داره پس قاعده یک، قاعده یک، کلمات «ا» و «و» می‌توانند به تنهایی قافیه باشند. وقتی مصوّت + صامت داریم، پای قاعده ۲ در می‌آید. مثلاً به مصوّت بلند و مصوّت کوتاه.

ت) «ی» آخر بعضی از واژه‌های مختوم به «او» و «وی»

مثال ۱۱ همی ریخت خون و همی کند موی سرش سر ز خاک و پر از آب روی **مترسوی**
«و + ی» حروف قافیه‌اند. «و» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

مثال ۱۲ خورد رهنمای و خورد دلگشای **مترسوی**
«ا + ی» حروف قافیه‌اند. «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

کتاب درسی شما برای حروف الحاقی همین موارد را مثال زده است، اما حروف الحاقی انواع دیگری هم دارند که چند تایی دیگرشان را برایتان ذکر می‌کنیم. در کل به یاد داشته باشید هر پسوند مشترکی بین دو کلمه قافیه، الحاقی به شمار می‌آید.

ث) «ی» نکره در کلماتی مثل «درختی (یک درخت)»، «دختری (یک دختر)»، «ستاره‌ای (یک ستاره)» و ...

مثال ۱۳ پیشانیتم را بوسه زد در خواب **هندویی** شاید از آن ساعت طلسم کرده **جادویی** **مفصل تقریبی**
«و + یی» حروف قافیه‌اند. «و» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «یی» حروف الحاقی

صامت میانجی «ی» نکره

ج) «ی» مصدری که معنای «بودن» می‌دهد؛ مثلاً «جانمردی (جانمرد بودن)»، «توانمندی (توانمند بودن)»، «زردی (زرد بودن)» و ...

مثال ۱۴ به جز از خوبی و شکرخندی داشت پیرایه هنرمندی (پیرایه = زیور) **مفصلی**
«ند + ی» حروف قافیه‌اند. «ند» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی» به معنی بودن «شکرخند بودن (هنرمند بودن)» حرف الحاقی
ج) علامت‌های جمع «ها، ان، ات، ون»

مثال ۱۵ همی گویم و گفتمام **بارها** بود کیش من مهر **دلدارها** **علاقه‌مندان**
«ار + ها» حروف قافیه‌اند. «ار» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ها» نشانه جمع حروف الحاقی
ح) صفت‌های عالی و نفسی (برتر و برترین) یعنی: «تر و ترین»

مثال ۱۶ هر که او بیدارتر **پردردتر** هر که او هشیارتر **رخزردتر** **مترسوی**
«رد + تر» حروف قافیه‌اند. «رد» حروف اصلی (قاعده ۲) و «تر» صفت برتر، حروف الحاقی
خ) «تن» مصدری؛ مثل: «دیدن، شنیدن، گفتن» و ...

مثال ۱۷ از حریصی عاقبت **ندیدن** است بر دل و بر عقل خود **خندیدن** است **مترسوی**
«ید + ن» حروف قافیه‌اند. «ید» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ن» مصدری، الحاقی

نکته ۱

گفتیم که به طور کلی، هر پسوندی که میان دو کلمه قافیه مشترک باشد الحاقی به حساب می‌آید.

نکته ۲

این که فقط حروف الحاقی دو کلمه یکسان باشد، باعث نمی‌شود آن دو کلمه بتوانند قافیه بسازند. جدول زیر چند مثال برای این نکته است. وقتی حروف الحاقی را از مثال‌های زیر حذف کنید، خواهید دید که کلمات ستون اول جدول با کلمات ستون دوم باز هم حرف مشترک دارند، اما با کلمات ستون سوم ندارند.

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
زنان	دشمنان - صف‌شکنان - هم‌میهنان (اگر حروف الحاقی «ان» نشانه جمع را حذف کنیم، باز هم حروف مشترک «تن» طبق قاعده ۲ میان این کلمات با کلمه «زنان» مشترک است و قافیه می‌سازد.)	مردان - درختان - دوستان (اگر حروف الحاقی «ان» را حذف کنیم، میان کلمات این ستون و کلمه «زنان» حرف مشترک قافیه وجود ندارد.)
نشکستی	شکستی - پیوستی - جستی اگر حرف الحاقی «ج»، «س» یا «ش» حذف کنیم، باز هم حرف «ت» میان این کلمات مشترک است و طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد.	بریدی - برخاستی - برداشتی با حذف «ی» الحاقی، دیگر حرف مشترک قافیه میان این کلمات با «نشکستی» وجود ندارد. مثلاً: [برخاستی] - [برخاست] - [است] و [نشکستی] - [نشکست] - [ست]
خوب‌تر	محبوب‌تر - برآشوب‌تر	بدتر - بالاتر - خراب‌تر

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
شور انگیز	غرور انگیز	فتنه انگیز - دل انگیز
کیمیایگر	خنیایگر	زرگر - میگر - آهنگر

توجه گفتیم رعایت حروف الحاقی در قافیه لازم است. پس اگر دو کلمه، حروف مشترک اصلی قافیه داشتند، اما حروف الحاقی آن‌ها متفاوت بود، قافیه نمی‌سازند. چند مثال در جدول زیر ببینید:

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
تیریدی	دید ی - خرید ی - پسندید ی	دیدید - خرید م - پسندیدند
جهان آفرین	جان آفرین	جان فزا - جانی
دشمنان	هم‌میهنان - زنان	هم‌میهن‌ها - زن‌ها
خیال انگیز	ملال انگیز	ملال آور

نکته ۳

اگر فقط یکی از کلمات قافیه (در یک مصراع) حروف الحاقی داشت و این حروف الحاقی با حروف پایانی اصلی کلمه قافیه در مصراع دیگر یکسان بود، قافیه دانستن دو کلمه صحیح است؛ مثلاً دو کلمه «بہتر - شر» با هم قافیه می‌سازند. کلمه «بہتر» دارای حروف الحاقی «پسوند «تر» است، اما دو حرف آخر آن، یعنی «ر» با دو حرف آخر کلمه «شر» (یعنی «ر») یکسان است و لذا طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند یا مثلاً دو کلمه «مردان - نان» با هم قافیه می‌سازند. حروف مشترک آن دو «ان» است، در کلمه «مردان» این دو حرف الحاقی هستند، اما در کلمه «نان» جزء حروف اصلی کلمه.

مثال ۸ لفظها و نام‌ها چون دام‌هاست لفظ شیرین ریگی آب عمر ماست مولوی

«ست» مخفف «است» نقشی ردیف شعر را دارد. کلمات قافیه در این شعر (نام‌ها - ما) هستند. کلمه «نام‌ها» حروف الحاقی دارد — «ها» ی نشانه جمع؛ اما کلمه «ما» حرف الحاقی ندارد. از طرفی، حرف پایانی کلمه «نام‌ها» یعنی «ا» حروف پایانی کلمه «ما» یکسان است. پس «نام‌ها» و «ما» طبق قاعده ۱ قافیه می‌سازند.

نکته ۴

اگر هر دو کلمه قافیه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، اما از دو نوع مختلف، شرط این‌که قافیه صحیحی بسازند این است که حروف پایانی این دو کلمه طبق یکی از قواعد ۱ یا ۲ قافیه، مشابه باشد؛ مثلاً دو کلمه (آهنگر - خوب‌تر) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «گر» و دومی «تر»). اما چون حروف پایانی «ر» بین آن‌ها مشترک است، طبق قاعده ۲ قافیه صحیح می‌سازند یا مثلاً کلمات (درخت‌ها - رعدآسا) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «ها»ی نشانه جمع و دومی پسوند «آسا»). اما چون هر دو کلمه به مصوت «ا» ختم شده‌اند طبق قاعده ۱ با هم قافیه می‌سازند.

جمع‌بندی مباحث مربوط به حروف الحاقی در قافیه	
وضعیت حروف الحاقی در دو کلمه	راه تشخیص صحیح بودن قافیه
اگر هر دو کلمه، حروف الحاقی یا پسوندی از یک نوع مشابه داشته باشند،	حروف الحاقی یکسان را حذف می‌کنیم. اگر شکل اصلی دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشتند، دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.
اگر فقط یکی از دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشت،	حروف الحاقی یا پسوند را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت (که یک کلمه حروف الحاقی یا پسوند دارد و دیگری نه)، مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف آخر مشترک داشتند دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.

۱- توصیه‌های فرهنگ‌نگاری برای مشق مولوی شرح‌های قبلی زبانی نوشته شده، یکی از بهترین‌هاش شرح علامه چغریه، شرحی که علامه روی این بیت نوشته رو برون و بیرون چه معنای عمیقی پشت این بیت هست، خصوصاً برای ما که تو، نه‌ای امروز، هر روز بیشتر از قبل با مفاهیم و لغات و آیدهای جدید مواجهیم.



جمع‌بندی مباحث مربوط به حروف الحاقی در قافیه	
وضعیت حروف الحاقی در دو کلمه	راه تشخیص صحیح بودن قافیه
اگر هر دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، ولی از دو نوع مختلف،	حروف الحاقی یا پسوند هر دو کلمه را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت، حروف آخر دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ مشابه بود، دو کلمه قافیه می‌سازند.

تست آموزشی چند گروه از کلمات داخل پرانتز با هم قافیه می‌سازند؟

(شما - انسان‌ها)، (صنعتگر - بلندتر)، (شکستم - کم)، (رازها - روزها)، (مسافر - خوب‌تر)، (غرورت - عبورم)، (نشاط‌بخش - شادی‌بخش)
 (۱) دو گروه (۲) سه گروه (۳) پنج گروه (۴) شش گروه

نکته ۵ گروه کلمات را یکی یکی بررسی کنیم: (شما - انسان‌ها) — مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند. حرف «ا» در آخر دو کلمه وجود دارد (قاعده ۱) / (صنعتگر - بلندتر) — نکته ۴، حروف «تر» در پایان دو کلمه مشترک است و قافیه می‌سازند (قاعده ۲) / (شکستم - کم) — مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند؛ با حروف مشترک «م» (قاعده ۲) / (رازها - روزها) — مطابق نکته ۲، قافیه نمی‌سازند / (مسافر - خوب‌تر) شرایط آن‌ها، مانند نکته ۳ است، اما کلمه اول به «ر» ختم می‌شود و کلمه دوم به «ر» پس قافیه نمی‌سازند / (غرورت - عبورم) — حروف الحاقی از یک نوع هستند (ضمیر متصل)، اما یکسان نیستند، ازلی «ت» و دومی «م»، پس قافیه نمی‌سازند / (نشاط‌بخش - شادی‌بخش) — مطابق نکته ۲ قافیه نمی‌سازند.

تذکر برای مشخص کردن قافیه هر شعر — ابتدا ردیف را مشخص می‌کنیم — بعد حروف الحاقی — و سپس حروف اصلی را. **قدما** آخرین حرف اصلی کلمه را «زوی» می‌نامیدند.

نکته ۶

دقت کنید که در تعریف ردیف گفتیم: «کلماتی که هم از نظر لفظ، هم از نظر معنا عیناً تکرار می‌شوند» یعنی اگر دو کلمه از لحاظ لفظی و ظاهری یکسان بودند، اما معنای متفاوتی داشتند دیگر ردیف نیستند، بلکه واژه‌های قافیه‌اند.

مثال ۴ دوش گیسوی تو را ریخته دیدم بر دوش خاطر آشفته‌ام امشب ز پریشانی دوش **شماره ۱**

«دوش» اول به معنی شانه و «دوش» دوم به معنی دیشب است؛ پس این دو کلمه قافیه‌اند، نه ردیف.

نکته ۷

بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه درون مصراع‌ها نیز قافیه می‌آورند که به آن «قافیه درونی» گفته می‌شود. رایج‌ترین شکل قافیه درونی این گونه است که شاعر بیت را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند و در انتهای دو، سه، یا هر چهار قسمت آن، واژه‌های دارای قافیه می‌آورد.

مثال ۵ من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود **شماره ۲**

کلمات مشخص شده، در حروف «ور» مشترک‌اند و قافیه درونی شعر را می‌سازند.

ذوقافیتین

نکته ۸

گاهی شعر دارای دو قافیه پایانی است که آن را (ذوقافیتین) می‌نامند. در این گونه شعرها قافیه اصلی در واژه‌های آخر مصراع‌هاست.

مثال ۶ خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای

«توفیق» و «تحقیق» با یکدیگر حروف مشترک دارند و «بگشای» و «بنمای» با هم. «بگشای» و «بنمای» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند و این شعر ذوقافیتین است.

مثال ۷ از آن مرد دانا دهان دوخته‌ست که ببند که شمع از زبان سوخته‌ست **شماره ۳**

«ست» مخفف (است)، نقش ردیف را دارد. «سوخته» و «دوخته» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند با حروف مشترک «وخت» (قاعده ۲). پیش از این دو، دو کلمه «دهان» و «زبان» هم با حروف مشترک «ان» (طبق قاعده ۳) قافیه می‌سازند، لذا این بیت ذوقافیتین است.

نکته ۹

در ابیاتی که ذوقافیتین هستند، گاهی بین جفت کلمه اول قافیه‌ساز و جفت کلمه دوم آن، یک کلمه تکراری وجود دارد. این مسئله مانعی برای وجود ذوقافیتین در بیت نیست. مثال زیر را ببینید:

مثال ۸ ای شاه زمین بر آسمان داری تخت سست است عدو تا تو کمان داری سخت **شماره ۴**

«تخت» و «سخت» قافیه‌های اصلی هستند («تخت» — قاعده ۲)، «آسمان» و «کمان» هم با یکدیگر قافیه می‌سازند. «ان» — قاعده ۳. اما بین این دو جفت کلمه، کلمه «داری» تکرار شده است. همان‌طور که گفتیم، وجود این کلمه تکراری مانعی برای ذوقافیتین بودن بیت نیست.

نکته ۹

دام‌های ذوقافیتین: ممکن است در بعضی سؤالات و تست‌ها، از شما بخواهند بیت دارای ذوقافیتین را پیدا کنید. در این موارد احتمال دارد از بعضی تله‌های نستی استفاده شود. چند تا از رایج‌ترین تله‌های ذوقافیتین را در جدول زیر ذکر کرده‌ایم. دقت کنید که در هیچ کدام از این حالات، بیت ذوقافیتین نیست:

مثال	وضعیت قافیه
<p>..... بود <u>روز</u> بود <u>سوز</u> دوست <u>کار</u> دوست <u>یار</u> خواست <u>بردارد</u> خواست <u>بسپارد</u></p>	<p>اگر قبل از قافیه اصلی، یک کلمه تکراری داشته‌یم، اما قبل از آن کلمه تکراری، دیگر کلمات دارای قافیه وجود نداشت.</p>
<p>..... عشق <u>مست</u> صدق <u>دست</u> زاد <u>شرد</u> زود <u>گرد</u></p>	<p>اگر دو کلمه قبل از قافیه اصلی، علی‌رغم داشتن حرف مشترک، طبق هیچ کدام از قاعده‌های ۱ یا ۲، دارای قافیه نبودند.</p>
<p>..... دگر <u>بارد</u> جگر <u>خواره</u> سرباز اثر <u>گذار</u></p>	<p>اگر قافیه کلمه مرکب بود، نباید آن را تجزیه کرد.</p>

نکته ۱۰

هنگام تشخیص قافیه و ردیف مراقب کلمات مرکب باشید. گاهی تجزیه نادرست کلمه مرکب، ممکن است شما را در تشخیص ردیف، ذوقافیتین و ... دچار اشتباه کند. به مثال زیر دقت کنید:

مثال ۱۲ مبصر طاعت نفس شهوت پرست که هر ساعتش قبله دیگر است سری

کلمه قافیه در مصراع اول «شهوت پرست» است و در مصراع دوم «است». این بیت نه ردیف دارد و نه ذوقافیتین است. مشابهت «پره» (در شهوت پرست) و «دیگر» در حروف «ر» نباید شما را گول بزند!

نکته ۱۱

گاهی ممکن است دو فعل مرکب وندی، تنها در پیشوند با هم اختلاف داشته باشند و پیشوندهایشان هم طبق قاعده ۱ یا ۲ با هم قافیه بسازند، مثلاً (درکشید - برکشید) در این حالت پیشوندها قافیه می‌سازند (در - بر) و عبارت فعلی بعد از پیشوند (کشید) ردیف است. اگر تنها یکی از فعل‌ها دارای پیشوند باشد، باز هم پیشوند آن می‌تواند با کلمه قبل از فعل در مصراع دیگر قافیه بسازد؛ مثلاً (برکشید - بیشتر کشید)

مثال ۱۳ صنما سپاه عشقت به حصار دل در آمد بگذر بدین حوالی که جهان به هم بر آمد موتوری

«در» و «پر» با حروف مشترک «ر» (طبق قاعده ۲) قافیه می‌سازند و «آمد» ردیف شعر است.

مثال ۱۴ گفتم غم تر دارم گفنا غمت سر آمد گفتم که ماه من شو گفنا اگر بر آید

گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفنا ز خوبرویان این کار کم تر آید مغفرا

در بیت اول از این غزل حافظ، «سر» و «پر» قافیه‌اند و «آید» ردیف. در مصراع دوم بیت دوم هم «کم تر» با «سر» و «پر» با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد و «آید» کماکان ردیف است.



عیوب قافیه

قاعده کلی را که می‌دانید؛ دو کلمه که بخواهند با هم قافیه بسازند حتماً باید طبق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشته باشند. چند مورد را که نیاز به دقت بیشتری دارد برایتان بازگو می‌کنیم:

- ۱) یکسانی حروف اصلی و اختلاف در حروف الحاقی یا یکسانی حروف الحاقی و اختلاف در حروف اصلی (که قبلاً مفصل‌تر توضیح دادیم).
 - ۲) اختلاف در صامت؛ مثلاً دو کلمه (عشق و صدق) — «-شق» و «-دق» — قافیه نمی‌سازند. چرا که در صامت «ش» و «د» با هم اختلاف دارند.
 - ۳) اختلاف در مصوت؛ مثلاً دو کلمه (گل - گل) — «-ل» و «-ل» — قافیه نمی‌سازند. چون در مصوت «ه» و «ه» با هم اختلاف دارند. یا مثلاً دو کلمه (عشق - عشق) — «-شق» و «-شق» — قافیه نمی‌سازند. چون در مصوت «ی» و «ی» با هم اختلاف دارند.
 - ۴) اختلاف در شکل نوشتاری و املائی کلمات؛ مثلاً لغت «عزیز» با لغات «ریز، چیز، ستیز، گریز و ...» قافیه می‌سازد. اما با لغات «لذیذ، مریض، غلیظ» قافیه نمی‌شود. چون شکل نوشتاری حروف قافیه آن با این کلمات متفاوت است.
- تذکره** برای تشخیص قافیه حتماً حواستان به صحیح خواندن کلمه‌ها باشد. خصوصاً در کلماتی مثل (بود، بود، مائد، مائد) و ...

قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو، محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخشی سروده، دو یا چند مصراع قافیه‌دار به کار می‌برد.

مثال ۱۷ خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند می‌گیرند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران

قاصد روزان ابری داروکا کی می‌رسد باران؟

فب. «لا یندنا نکتة موم در قالب به تست آموزشی دانش‌برگیز»

تستی کلمات قافیه در ابیات زیر از حافظ. به ترتیب پیرو کدام یک از قواعد قافیه‌اند؟

الف) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست	الف) سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست
ب) مزرع سبزه فلک دیدم و داس به نو	ب) یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
پ) بر سر آنم که گرز دست برآید	پ) دست به کاری زلم که غصه سرآید
ت) صلاح کار کجا و من خراب کجا؟	ت) بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا؟
۱) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۱ - قاعده ۲	۲) قاعده ۱ - قاعده ۲ - قاعده ۲ - قاعده ۱
۳) قاعده ۱ - قاعده ۱ - قاعده ۱ - قاعده ۱	۴) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۲ - قاعده ۲

توجه کنید! و اما بررسی تک تک ابیات:

بیت «الف»: در این بیت، کلمات «خطا» و «این‌جا» قافیه هستند و حرف مشترک آن‌ها «ا» (طبق قاعده ۱) حروف «ست» در واقع مخفف کلمه «است» هستند و بنابراین ردیف به حساب می‌آیند و نه جزء حروف قافیه.

بیت «ب»: کلمات «نو» و «درو» واژه‌های نافی‌اند، اما به شکل تلفظ آن‌ها دقت کنید: (ن + د + و) و (د + و + ن)

حروف مشترک «د» و «و» هستند. یعنی یک مصوت + یک صامت پس از آن؛ یعنی قاعده ۲. پس:

نکته ۱۱

کلماتی که به «و» و «ow» ختم می‌شوند، مانند (نو، جلو، پرتو و ...) اگر با هم قافیه بسازند، از قاعده ۲ پیروی کرده‌اند.

بیت «پ»: واژه‌های قافیه «بر» و «سر» هستند. اگرچه این دو، پیشوند هستند و کلمه مستقلی به حساب نمی‌آیند، اما پیشوندها و پسوندها می‌توانند قافیه بسازند. لذا «بر» و «سر» صیق قاعده ۲ هم‌قافیه‌اند و «آید» ردیف شعر.

بیت «ت»: کلمه «کجا» در انتهای هر دو مصراع تکرار شده و ردیف است. در مصراع اول حروف آخر کلمه «خراب»، «اب» است، اما در مصراع دوم با کلمه «به»، با تلفظ «پ» مواجهیم و این دو نمی‌توانند با هم قافیه داشته باشند، لذا این بیت عیب قافیه دارد.

نکته ۱۳

کلماتی مثل «خورد، خوش و ...» در قدیم «خُرد، خُش و ...» تلفظ می‌شده‌اند. پس اگر جایی دیدید مثلاً «گرد» یا «خورد» یا «خوش» با «آش» قافیه شد، ایرادی ندارد و نافی صحیح است. هم‌چنین «سخن» را در قدیم «سُخُن» تلفظ می‌کرده‌اند. پس ممکن است در شعرهای قدیم مثلاً ببینید که «سخن» با «گن» قافیه شده است.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

● مثال‌های کتاب تو این درس موارد خوبی برای تمرین هستند. اول با این مثال‌ها شروع می‌کنیم.

۳۴۶- کلمات قافیه و حروف آن در بیت زیر کدام است؟

«آب زیند راه را هین که نگار می‌رسد

(۱) می‌رسد - می‌رسد (د) (۲) نگار - بهار (ار)

۳۴۷- کدام بیت ردیف ندارد؟

- (۱) شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد
- (۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- (۳) یارب سببی سار که یارم به سلامت
- (۴) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

۳۴۸- حروف قافیه مقابل کدام بیت درست است؟

- (۱) نکتونام و صاحب‌دل و حق‌پرست
- (۲) چنین داد پاسخ فریدون که تخت
- (۳) یار بد مار است هین بگریز از او
- (۴) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

۳۴۹- دربارهٔ بیت زیر کدام گزینه درست است؟

«در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

(۱) قافیه ندارد.

(۲) دارای دو قافیه پایانی است.

(۳) ذوقافیتین است.

(۴) قافیه درونی دارد.

۳۵۰- نوع قافیه در کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- (۱) مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
- (۲) گلزار و باغ علمی چشم و چراغ عالمی
- (۳) طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد
- (۴) دیدهٔ سیر است مرا جان دلیر است مرا

۳۵۱- چند کلمه در شعر زیر قافیه دارند؟

«از تهی سرشار / جویبار لحظه‌ها جاری است / چون سبوی تشنه کاندل خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ / دوستان و دشمنان را می‌شناسم من / زندگی را دوست می‌دارم / مرگ را دشمن / وای اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم / که به دشمن باید از او التجا بردن / جویبار لحظه‌ها جاری.»

(۱) پنج

(۲) دو

(۳) سه

(۴) چهار

۳۵۲- قافیهٔ کدام بیت طبق قاعدهٔ ۱ است؟

- (۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس
- (۲) آب آتش فروز عشق آمد
- (۳) نشود فاش کسی آن‌چه میان من و توست
- (۴) روز وصل دوستداران یباد یباد

۳۵۳- قاعدهٔ قافیهٔ مقابل، کدام بیت نادرست آمده است؟

- (۱) نفس یباد صبا مشک‌فشان خواهد شد
- (۲) من از دست کسانداران ابرو
- (۳) بر سر آنم که گر ز دست برآید
- (۴) کی رفته‌ای ز دل که تنها کنم تو را

۳۵۴- کدام توضیح دربارهٔ بیت زیر نادرست است؟

«گلاب است گویی به جویش روان

(۱) این بیت دارای ردیف است.

(۳) قافیهٔ اصلی بیت طبق قاعدهٔ ۲ است.

سزده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد»

(۳) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (د) (۴) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (ار)

تو بیا گز اول شب در صبح باز باشد
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
بازآید و برماندم از بند ملامت
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد

خط عارضش خوش‌تر از خط دست (ت)
نماند به کس جاودانه نه بخت (ت)
تا نریزد بر تو زهر آن زشت‌خو (و)
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (د)

من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود»

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
هم دره و داغ عالمی چون پا نهی اندر حفا
داغ و دردی گز تو باشد خوش‌تر است از باغ و ورد
زهرهٔ شیر است مرا زهرهٔ تابنده شدم

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس
آنش آب سوز عشق آمد
تا اشارات نظر نام‌رسان من و توست
یباد یباد آن روزگاران یباد یباد

عالم بپیر دگر باره جوان خواهد شد ← قاعدهٔ ۲
نمی‌یارم گذرگردن به هر سو ← قاعدهٔ ۱
دست به کاری زخم که غصه سرآید ← قاعدهٔ ۱
کی بودمای نهفته که پیدا کنیم تو را ← قاعدهٔ ۱

همی شاد گردد ز بویش روان»

(۲) این بیت ذوقافیتین است.

(۴) قافیهٔ «جویش» و «بویش» دارای حروف الحاقی است.



۳۵۵- قافیه کدام بیت حروف العاقی ندارد؟

- ۱) ای نیم سحر آرامگه یار کجاست
- ۲) کاشکی جز تو کی داشتی
- ۳) چندان که گفتم غم با طبیبان
- ۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

- ۱) منزل آن مه عاشقکش عیار کجاست
- ۲) یایه تو دستری داشتی
- ۳) درمان نگرندند مسکین غریبان
- ۴) بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

۳۵۶- حرف روی در بیت زیر کدام است و قافیه این بیت طبق کدام قاعده است؟

- «ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی»
 ۱) ی - قاعده ۱
 ۲) ا - قاعده ۱

- «دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی»
 ۳) ای - قاعده ۲
 ۴) ایی - قاعده ۲

۳۵۷- توضیح قافیه مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱) در پیش بی‌دردان چرا فریاد برحاصل کنم
- ۲) ای از مکارم تو شده در جهان خیر
- ۳) یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
- ۴) کسی دانه نیک‌مردی نکاشت

- ۱) گز شکوه‌ای دارم ز دل با یار صاحب‌دل کنم (داری حروف العاقی است)
- ۲) افکننده از سیاست تو آسمان سپر (قافیه درونی دارد)
- ۳) یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا (قافیه طبق قاعده ۲ است)
- ۴) کز او خرم‌من کام دل برنداشت (شت حروف قافیه است)

۳۵۸- کدام قسمت مشخص شده قطعه زیر قافیه دارد؟

«عاشقم بهار را / رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت‌های عاشقی / پر ز پادۀ سپیده باد جام تو / ای که چون غزال تشنه آب تازه می‌خورد / مرغ دل ز جاری کلام تو / در غبار کام تو / چاره فسون‌گران و رهنان / در محاق مرگ رخ نهفتن است / من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را / من که جست و جوگرم سرودهای ناشنیده را / شعر من که عاشقم همیشه از تو گفتن است / ای که در بهار سبز نام تو / رسالت گل محندی

شکفتن است.
(ت)

۱ الف - ب
 ۲ پ - ب
 ۳ پ - ت
 ۴ الف - ت

از این قسمت به بعد می‌توانیم سراسر سؤال‌های کنکور و مثال‌های خارج از کتاب، بعضی سؤال‌ها هم ممکنه خلاقانه و شادمان از کنکور باشن، اما حتماً با نگاه به کتاب می‌تونیم بهترین جواب‌ها رو بیرون بیاریم.

۳۵۹- در کدام گزینه قافیه طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
- ۲) سحر چون خسرو خاور علم بر توهانان زد
- ۳) صبا به لطف بگو آن غزال رهت را
- ۴) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست

- ۱) کار چراغ خلسوتیمان ساز در گرفت
- ۲) به دست مرحمت یارم در امیدواران زد
- ۳) که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
- ۴) آن‌جا جز آن‌که جان سپارند چاره نیست

۳۶۰- کدام بیت قافیه درونی دارد؟

- ۱) گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم
- ۲) حال دلم ز حال تو هست در آتش وطن
- ۳) چندین که برشدم از ماجرای عشقت
- ۴) گسر برنندم به تیغ در نظرش بی‌دریغ

- ۱) ز جام وصل می نوشم ز باغ عیش گل چینم
- ۲) چشمم از آن دو چشم تو خسته شده‌ست و نابون
- ۳) السدوه دل لگفتم آلا یک از هزاران
- ۴) دیدن او یک نظر صد جو منش خون‌بهاست

۳۶۱- قافیه کدام بیت طبق الگوی «مصوت + صامت + حروف العاقی» است؟

- ۱) اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبی‌ست
- ۲) بی مهر رخت روز مرا نبر نمادست
- ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بت
- ۴) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند

- ۱) زسان خموش ولیکن دهان پر از عربی‌ست
- ۲) وز عمر مرا جز شب دیجور نمادست
- ۳) گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بت
- ۴) جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند

۳۶۲- قاعده قافیه در کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) گفتا بیرون شدی به تمنای ماه نو
- ۲) دلم رمیده شد و غافل من درویش
- ۳) تفاوتی نکند قدر پادشایی را
- ۴) به کوی میکند هر سالکی که ره دانست

- ۱) از ماه ابروان منت شرم باد رو
- ۲) که آن شکاری سرگشته را چه آمد پیش
- ۳) که التفات کند کم‌ترین گدایی را
- ۴) دری دگر زدن اندیشه نجه دانست



۳۶۳- قافیه‌شدن کدام گروه کلمات با یکدیگر نادرست است؟

- (۱) (درس - رأس) (سلیم - دیلم) (استان - آستین)
 (۲) (سالم - معلم) (مراد - راد) (سیک‌بال - وبال)
 (۳) (آرامی - دامی) (گذرم - تیزرم) (سب - حسب)
 (۴) (زمین - مکتین) (حد - صد) (صرع - شرع)

۳۶۴- قافیه کدام بیت طبق قاعده ۱ نیست؟

- (۱) در همه دیر مغن نیست جو من شیدایی
 (۲) مرا چشمی است خون‌افشان ز دست آن کمان‌ابرو
 (۳) می‌خواه و گل‌افشان کن از دهر چه می‌جویی
 (۴) ای قبا‌ی پادشاهی راست بر بالای تو

۳۶۵- در کدام گزینه واژه‌های قافیه لفظاً یکسان، ولی در معنا متفاوت هستند؟

- (۱) باید این سنگ از میان برداشتن
 (۲) زسوی هر چه هست و بود از توست
 (۳) روز اندر خانه سخت آشوب شد
 (۴) گر بیایی بک سفر ما را ز بی

۳۶۶- کدام ابیات به ترتیب «دارای دو قافیه پایانی» و «دارای قافیه درونی» هستند؟

- (الف) خواهم جنونی صف‌شکن آشوب‌جان مردوزن
 (ب) دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
 (پ) جزءها را روی‌ها سوی گل است
 (۱) پ - الف (۲) الف - پ
 (۳) الف - پ (۴) پ - پ

۳۶۷- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) از طمع و حمله و پیکار ماند
 (۲) زاغ را و جغد را اندر قفس
 (۳) نخوانده فرق سر از پای عزم گو گردیم
 (۴) این دو می‌خواستی آن یک پزشک

۳۶۸- قافیه در تمام گروه کلمات کدام گزینه طبق قاعده ۱ است؟

- (۱) (درو - گرو) (آشنایی - جدایی) (کوی - روی)
 (۲) (سایه - پیرایه) (جهان‌آرای - خدای) (دلیرا - یاورا)
 (۳) (موی - جوی) (تنهایی - مسیحاوی) (فضا - فضا)
 (۴) (همراهی - آهی) (جادو - آهو) (پرتو - رهرو)

۳۶۹- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- (۱) بلی کفاف کی دهد شرابها که وی دهد
 (۲) بگر کران راغ‌ها چه سیزدها چه کشتما
 (۳) بی‌همگان به سر شود بی تو به سر نمی‌شود
 (۴) نور تویی سور تویی دولت منصور تویی

۳۷۰- در میان گروه کلمات زیر، چند مورد قابلیت قافیه‌شدن دارند؟

- (گناهی - نگاهی) (بت‌پرست - شهت) (چراغم - انانم) (رضا - سزا) (حفیض - عزیز) (بهر - شهر) (صغیر - سفیر)
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۷۱- واژه‌های کدام گزینه با هم قافیه نمی‌سازند؟

- (۱) طین (به معنی خاک) - بسانین
 (۲) غلغلی - دولتی
 (۳) صابره - نادره
 (۴) سوخته - بردوخته

۳۷۲- کدام بیت ذوقالبعین است؟

- (۱) هر زبانی سخن نداند گفت
 (۲) یار محنت‌کشیده چون ایوب
 (۳) بود عاشق زد از نخت سخن
 (۴) نطق دریند و گوش باش دمی



۳۷۳- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) چنان بر صف پیل بگشاد جای
- ۲) اینک این ظومار و احکام مسیح
- ۳) ناز خندان باغ را خندان کند
- ۴) جسم و جان و دین و دن درباختند

۳۷۴- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- ۱) وزیری که جاه من آیش بریخت
- ۲) ز صاحب غرض تا سخن نشنوی
- ۳) نگویم چو جنگ آوری پای دار
- ۴) که در تخت و ملکش نیامد زوال؟

۳۷۵- قافیه کدام کلمات طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) گویند - گزند ۲) پرتو - مشو ۳) گشایش - باش ۴) رسایی - صدایی

۳۷۶- حروف قافیه در کدام بیت در بیش از یک واژه قرار گرفته است؟

- ۱) و اندر آن کاری که میلت نیست و خواست
- ۲) پس تو سرهنگی مکن با عاجزان
- ۳) تیغ چوبین را میر در کارزار
- ۴) کز پس این پیشوا برخاستند

۳۷۷- قافیه در کدام بیت با هیچ کدام از قاعده‌های ۱ و ۲ مطابقت نمی‌کند؟

- ۱) منم بنده اهل بیت نبی
- ۲) ز دانندگان بشنو امروز قول
- ۳) فرورفت جسم را یکی نازنین
- ۴) تو آزادی از ناپسندیده‌ها

۳۷۸- کدام گزینه طبق قاعده ۲ (مصوت + صامت + صامت) است؟

- ۱) انبیا در کار دنیا جبری‌اند
- ۲) زانک هر مرغی به سوی چس خویش
- ۳) انبیا چون چس صابین شدند
- ۴) دست نه تا دست جنباند به دفع

۳۷۹- قافیه کدام بیت براساس قاعده ۲ است؟

- ۱) سخن در صلاح است و تدبیر و خوی
- ۲) مگویی آن که گر بر ملا اوفتند
- ۳) چو دشنام گویی دمان نشنوی
- ۴) هر نفس تو می‌شود دنیا و ما

۳۸۰- کدام قطعه نیمایی فاقد قافیه است؟

- ۱) آب‌های شومی و تاریکی و بیداد / خاست فریادی و دردآلود فریادی / من همان فریادم آن فریاد غم‌بنیاد
- ۲) یا تو دیشب تا کجا رفتم / تا خدا و آن سوی صحرای خدا رفتم / من نمی‌گویم ملائک بال در بالم شنا کردند
- ۳) مرغ آمین دردآلودی است کاوازه بمانده / رفته تا آن سوی خانه / بازگشته رفبتش دیگر ز رنجوری نه سوی آب و دانه
- ۴) برنی‌شد گر ز بام کلبه‌ها دودی / یا که سوسوی چراغی گر بیامی مان نمی‌آورد / رد پاها گر نمی‌افتاد روی جاده‌ها لغزان

۳۸۱- در کدام بیت قافیه دارای حروف اعرافی نیست؟

- ۱) سبستان تو به یک‌یک برکنی
- ۲) منم که شهره شهرم به عنق‌ورزیدن
- ۳) صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
- ۴) نواز شام غریبان چو گریه آغازم



۳۸۲- کدام بیت ذوقالمتین است؟

- ۱) هر که او با نمرده سوداپسی بود
- ۲) سوختم چون بوی برناید ز من
- ۳) شاه فلک بین به صبح پرده برانداخته
- ۴) ای چرخ از آن ستاره رعنا چه خواستی

۳۸۳- در کدام بیت عیب قافیه پیدا می‌شود؟

- ۱) از وپای زرقی و محرومی برآ
- ۲) مطرب جان مونس مستان بود
- ۳) بنگر این کشتی خلیقان غرق عشق
- ۴) گفت شاه ما همه صدق و وفاست

۳۸۴- کدام بیت ذوقالمتین است؟

- ۱) مشو تا توانی ز رحمت بری
- ۲) قلم بز که بد کرد باز بردست
- ۳) دمی رفت و باد آمدش روی دوست
- ۴) گدا را چو حاصل شود نان شام

۳۸۵- در کدام بیت حروف قافیه طبق قاعدهٔ ۲ (مصوت + دو صامت) آمده است؟

- ۱) چون ندارم من قبول و کز غیب
- ۲) جان نباید در نشاط الا که بر بوی حبیب
- ۳) هر آن حدیث که از عشق می‌کنند روایت
- ۴) من خاک پای آن شتم کلو خون ساغر می‌خورد

۳۸۶- قافیه در همهٔ ابیات درست است، به‌جز:

- ۱) از همه باشه به حقیقت گزیر
- ۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند
- ۳) گرچه آتش نیز هم جسمانی است
- ۴) تو آنج از تو سزه گفشی و کردی

۳۸۷- قافیه در کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) من گسام آن را که شرح آن دهم
- ۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش
- ۳) هر مرا این جا شکایت شکر شد
- ۴) می‌نماید مار اندر چشم مال

۳۸۸- در کدام بیت، قافیه، غلط است؟

- ۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست
- ۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۳) سر از کوی صورت به معنی کشید
- ۴) به نزدیک من شبیرو راهزن

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

بر امید زنده سیمایی بود
و آتش غم روی نشاید ز من
پیر خرد بین به می خرقه درانداخته
و ای باد از آن شکوفهٔ زیبا چه خواستی

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

در جهان حق و قیومی درآ
نقل و قنوت و قنوت مست آن بود
ازدهایی گشت گویی حلق عشق
آن چه بر ما می‌رسد آن هم ز ماست

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

که رحمت بر نهدت چو رحمت بری
قلم به‌شتر او را به شمشیر دست
دگر خیمه زد بر سر کوی دوست
چنان خوش بخشد که سلطان شام

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

خلق را رد می‌کنم از خود به عیب
تا گل رنگین نباید خوش نالد عندلیب
خلاصهٔ سخن است آن و مابقی است حکایت
تا راز دل ساغر چرا هر دم به لب می‌آورد

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

از تو نباشد که ننداری نظیر
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشند
نه ز روح است و نه از روحانی است
غم جان من بیچاره خوردی

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

هر دهم آن شرح، خط بر جان نهم
بی‌طمع شد ز اشتیر آن بار و خویش
کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد
هر دو چشم خویش را نیکو بحال

(تجزیه‌ی ابیات، ۱۶)

که از بهر مردم به طاعت درست
که پنداری این شعله بر من گل است
قلم بر سر حرف دعوی کشید
به از فاسق پارساپیرهن



- ۳۵۳- **گزیده ۱** مشکفشان - جوان - ان - ۲
 ۱ ابرو - سو - و - ۱
 ۲ بر - سر - تر - ۲
 ۳ تمنا - پیدا - ا - ۱

۳۵۴- **گزیده ۱** روان و روان در دو معنی متفاوت آمده‌اند. اولی در معنی جاری و دومی در معنی روح و جان. پس ردیف نیستند و قافیه به حساب می‌آیند.

قافیه اصلی: روان - روان - ان - قاعده ۲
 قافیه دوم: جویش - بویش - و + یش (الحاقی) - قاعده ۱

- ۳۵۵- **گزیده ۱** یار - عیار - ار (بدون الحاقی)
 ۱ کسی - دسترسی - تر - ی
 ۲ طیبیان - غریبان - یب + ان
 ۳ گلستانم - فراوانم - ان - م

یادآوری

گفتیم حروف الحاقی، یعنی حروفی که به کلمه اصلی اضافه شده‌اند. این حروف در اصل کلمه حاضر نیستند و اگر آن‌ها را برداریم، باز هم کلمه ما، معنی‌دار است:
 طیبیان - غریبان - طیبیب - غریب اصل کلمه هستند.
 گلستانم - فراوانم - گلستان - فراوان اصل کلمه هستند ...

۳۵۶- **گزیده ۲** حرف روی آخرین حرف اصلی قافیه است: تنهایی -

آبی: ا + بی (الحاقی) - قاعده ۱

۳۵۷- **گزیده ۳** جگرخوار - دار: ار - قاعده ۲
 شکل درست سایر گزینه‌ها:

- ۱ بی حاصل - دل - ل (الحاقی) ندارد.
 ۲ ذوقافیتین است: «جهان - آسمان» و «خبر - سیر»
 ۳ «اشت» حروف قافیه است.

۳۵۸- **گزیده ۱** الف) کویر - بهار - فقط «ر» مشترک است - قافیه ندارد.

ب) جام تو - کلام تو - کام تو - ام - قاعده ۲
 پ) قسونگران - رهنزان - قسونگر - رهنزن - قافیه ندارد (ضمن این‌که در آخر مصراع با آخر قصعه نیست).

ت) نهفتن - گفتن - شکفتن - فت + تن - قاعده ۲

۳۵۹- **گزیده ۳** ردیف: رار رعنا و ما - ا - قاعده ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱ ردیف: گرفت / بر و در - تر - قاعده ۲
 ۲ ردیف: زد / کوهساران و امیدواران - ار + ان - قاعده ۲
 ۳ ردیف: نیست / کناره و چاره - آره - قاعده ۲
 ۳۶۰- **گزیده ۴** کلمات «تیغ و دروغ» در مصراع اول این بیت قافیه درونی ساخته‌اند.

۳۶۱- **گزیده ۴** بیت ۱: بی‌ادبی - عربی - ب + ی

بیت ۲: نور - دیچور - ور

بیت ۳: دلگشای - کرشمه‌های - ا + ی (نکته ۳۳ درس نامه روی یاد تونه؟)

بیت ۴: مستند - بنهستند - ت ست + ند

۳۴۳- **گزیده ۱** استفاده از ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار ویژگی سبک این دوره است که در بیت ۱ عبارت «خشم کردم» به عنوان ردیف آمده است.

نکته

از ملاک‌های دشواری می‌توان به طولانی بودن ردیف اشاره کرد و در عین حال کلماتی که ساخت مضمون و جمله با آن‌ها دشوار باشد؛ مثلاً کلمات «چشم، درد، خانه...» می‌توانند ردیف‌های دشواری باشند، اما کلماتی مثل «را، است، بود ...» ردیف‌های ساده آن به حساب می‌آیند.

۳۴۴- **گزیده ۱** هر دو بیت به ترسیدن بیم از سوی یار اشاره دارد و این‌که عوامل طبیعی (مثل صبح و باد) شاعر را به یاد معشوقش می‌اندازد.
 ۳۴۵- **گزیده ۱** در کتاب درسی شما ۱۱ زیرمجموعه «عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی» است و سه گزینه دیگر زیرمجموعه «پدیده‌های عمده‌ای که برای زبان فارسی رخ داده» و صورت تست هم دومی را خواسته است.

۳۴۶- **گزیده ۲** در این بیت «می‌رسد» ردیف است و نباید آن را در کلمات قافیه به حساب آورد.

۳۴۷- **گزیده ۳** ردیف به کلماتی گفته می‌شود که عیناً و با یک معنا در انتهای مصراع‌ها تکرار می‌شود. کلمات «باشد، را، باشد» به ترتیب در ۱، ۲ و ۴ ردیف هستند.

۳۴۸- **گزیده ۳**

نکته

در نوشتن حروف قافیه باید مصوّت‌های کوتاه را نوشت.
 ۱ حق پرست - دست - دست ۲ تخت - تخت - تخت
 در نوشتن مصوّت /و/ و /ی/ در قافیه نباید حرف «ا» را اضافه کرد. ۳ او - زشت‌خو - و

۳۴۹- **گزیده ۳** در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود
 بیت قافیه درونی دارد.

۳۵۰- **گزیده ۳** بیت ۳ ذوقافیتین است، اما سایر ابیات قافیه درونی دارند.

نکته

دقت کنید که سؤال از «قواعد قافیه» نیست و «نوع» قافیه مورد پرسش است. انواع قافیه شامل قافیه پایانی (معمولی)، قافیه درونی و ذوقافیتین می‌شود.

۳۵۱- **گزیده ۳** کلمات «من، دشمن، بردن» قافیه‌های شعر را ساخته‌اند. دقت کنید کلمات قافیه در آخر مصراع‌های شعر (چه شعر نو چه کلاسیک) می‌آیند.

۳۵۲- **گزیده ۱** ردیف: کن کمال این است و بس

کلمات قافیه: هویدا - پیدا - حرف قافیه: ا - قاعده ۱

بیت ۲: آتش فروز - آب‌سوز - وز

بیت ۳: میان - نام‌مرسان - ان

همگی قاعده ۲

بیت ۴: دوستداران - روزگاران - ار

- ۳۶۲- **گیتیہ** بیت **۱**: نو - رو - ے و - قاعدہ ۲
 بیت **۲**: درویش - پیش - پیش - قاعدہ ۲
 بیت **۳**: پادشایی - گدایی - ا + بی - قاعدہ ۱
 بیت **۴**: رہ - تہ - ے - قاعدہ ۲

یادآوری

قافیہ کلمات «نو - درو - برو - پرتو - مشو و ...» به صورت OW (ے و) است و از «مصوت کوتاه + صامت» تشکیل شده است.

- ۳۶۳- **گیتیہ** درس - رأس: ے رس - ے عس - در صامت تفاوت دارند. (شماره ۲ در عیوب قافیه)
 سلیم - دلیم: یم - ے م - در مصوت متفاوت اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)
 آستان - آستین: ان - ین - در مصوت متفاوت اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)
 حروف قافیه باید کاملاً یکسان باشد. اگر متفاوت باشند، قافیه نادرست است.

- ۳۶۴- **گیتیہ** «برو» در این بیت ردیف است - کلمات قافیه: کمان - آن (ان) - قاعدہ ۲ (مثالی از نکته ۱۰)
 «بی» در **۱** و **۳** و «ی» در **۴** الحاقی هستند.

- ۳۶۵- **گیتیہ** بی - (۱) دنبال ۲) عصب و ریشه
 ۳۶۶- **گیتیہ** بیت (الف): صف شکن - زن - تن: قافیه درونی
 بیت (ب): را - آشکارا: قافیہ‌های اصلی

- بیت (پ): کل و گل قافیا اصلی / سوی - روی قافیه دوم
 ۳۶۷- **گیتیہ** قفس و قصص در شکل نوشتاری حروف قافیه متفاوت اند و قافیه غلط است. (پیکار و کار) در **۱**، (کو و گو) در **۲** و (بزشک و سرشک) در **۴** کلمات قافیہ‌اند.

- ۳۶۸- **گیتیہ** موی - جوی: و + ی / تنهایی - مسیحایی: ا + بی / فضا - قضا: ا

- ۳۶۹- **گیتیہ** بیت **۱**: گی دهد - وی دهد
 بیت **۲**: راغ‌ها - باغ‌ها / بیت **۳**: نور - سور - منصور - طور
 ۳۷۰- **گیتیہ** گناهی - گناهی - آه + ی
 بت پرست - شصت - شکل نوشتاری متفاوت
 چراغ - انام - شکل نوشتاری متفاوت
 رضا - سزا - ا

- حضیض - عزیز - شکل نوشتاری متفاوت
 نہر - شہر - ے ہر / صقیر - سفیر - یر
 ۳۷۱- **گیتیہ** غلطی - دولتی (ی الحاقی) - غلط - دولت - شکل خطی متفاوت

- ۱** ین (به اختلاف «ط» و «ت» کاری نداریم. این با کلمہ‌ای مثل شامین هم قافیه می‌سازد فقط به خاطر همین حروف مشترک «ین») **۳** - ے ر + ۴ وخت + ۵

- ۳۷۲- **گیتیہ** ایوب - یعقوب: قافیه اصلی / چون: مشترک / کشیده - چشیده: قافیه دوم

یادآوری

در ذوقافیتین بین قافیه اصلی و قافیه دوم گاهی کلمه مشترکی می‌آید که مانند ردیف عمل می‌کند.

- ۳۷۳- **گیتیہ** **۱** جای - پای - ا + ی
۲ مسیح - فصیح - یح (گول تفاوت س و ص را نخورید! حروف «ین» به تنهایی برای ساختن قافیه کافی اند)
۳ خندان - مردان - ان (نکته ۴ درس‌نامه)
۴ درباختند - دریافتند - اخت + ے ند - تفاوت در صامت
 ۳۷۴- **گیتیہ** زوال و تعال: قافیه اصلی / نیامد - ایزد: قافیه دوم
 ۳۷۵- **گیتیہ** ے ند (نکته ۳) / ے و (نکته ۱۱) / **۳** قافیه نمی‌سازند / **۴** + بی (الحاقی)

- ۳۷۶- **گیتیہ** خواست و خداست (است) - حروف قافیه در «خداست» داخل در کلمه خدا و است بخش شده است.

- ۳۷۷- **گیتیہ** تنی - وصی - قافیه «ی» در قواعد قافیه وجود ندارد.
 ۳۷۸- **گیتیہ** **۱** دنیا - عقی - ا
۲ خویش - پیش - یش
۳ بدند - شدند - ے د + ے ند (الحاقی)
۴ دفع - نفع - ے فع

- ۳۷۹- **گیتیہ** تشنوی - ندروی - ے و + ی
۱ خوی - گوی - و + ی
۲ ملا - بلا - ا
۴ ما - بقا - ا

- ۳۸۰- **گیتیہ** **۱** بیداد - بنیاد / **۲** کجا - خدا / **۳** خانه - آب و دانه
نکته
 درست است که قطعه **۴** در این تست قافیه ندارد. اما یادتان باشد که شعر نیمایی قافیه دارد. در این جا فقط بخشی از شعر آمده است و این بخش خاص قافیه ندارد.

- ۳۸۱- **گیتیہ** **۱** برگنی - روشنی: ے ن + ی
۲ ورزیدن - دبدن: ید + ے ن
۳ باز (کشوده) - حقه‌باز (از مصدر باختن): از
۴ آغازم - پردازم: از + ے م

- ۳۸۲- **گیتیہ** «بود» ردیف است / «سودایی و سیمایی»: قافیه / «مرد» و «زنده» قافیه نیستند.
۲ «ز من» ردیف است / «برناید و شماید»: قافیه اصلی / «بوی و روی»: قافیه دوم
۳ «انداخته» ردیف است / «بر و در»: قافیه / «برده و خرقة» قافیه نیستند.

- ۴** «چه خواستی» ردیف است / «رعنا و زیبا»: قافیه / «ستاره و شکوفه» قافیه نیستند.

- ۳۸۳- **گیتیہ** «عشق» ردیف است / «غرق و خلق» عیب قافیه دارند (غرق و خلق در صامت اختلاف دارند).



۳۸۴- **گزیده ۱** بری (پاک) و بری (ببری) قافیه اصلی / رحمت و رحمت تکرارند و قافیه ندارند.

۲ این گزینه یک نکته مهم دارد! نباید دست را در دو مصراع ردیف در نظر بگیرید و زیر و شمشیر را قافیه! «زبردست» در مصراع اول کلمه قافیه است و «دست» در مصراع دوم.

۳ «دوست» ردیف است / «روی و کوی» قافیه اصلی

۴ شام (شب) و شام (سوریه) قافیه اصلی / نان و سلطان قافیه دوم
۳۸۵- **گزیده ۱** غیب و غیب — پ: پب: مصوت + صامت + صامت
۲ حبیب و عندلیب — پب

۳ روایت و حکایت — ت: ت

۴ خورد و آورد — ر: ر (می خورد در قدیم (می خورد) تلفظ می شده) + د: د (الحاقی)

۳۸۶- **گزیده ۲** پسوند «انی» در دو کلمه مشترک و جزء حروف الحاقی است. (به نکته ۱ دقت کنید). اما با حذف حروف الحاقی می بینیم که کلمات «جسم» و «روح» قافیه نمی سازند، چرا که حروف آخرشان مشترک نیست؛ پس قافیه این بیت نادرست است. (نکته ۲)

درسی سارگینه ها ۱ نظیر و گزیر در حروف «بر» مشترکند — قاعده ۲ (گول تفاوت «ط» و «ز» را بخورید، در این دو کلمه با آن ها کاری نداریم).

۲ قند و نوشخند در حروف «ند» مشترکند — قاعده ۲

۴ کردی و خوردی در حروف «رد» + «ی» الحاقی مشترکند — قاعده ۲ (نکته ۱۳ را هم ببینید).

۳۸۷- **گزیده ۲** بیت ۳ غیب قافیه از نوع «اختلاف در صامت» دارد — «ک» و «ف»

درسی سارگینه ها ۱ «دهم» و «نهم» — «م»، قاعده ۲

۲ «خویش» اول به معنی خود و «خویش» دوم به معنی «قوم» و خویش، فامیل، پس طبق نکته ۵ قافیه صحیح است.

۴ «مال» و «همال» — «ال»، قاعده ۲

۳۸۸- **گزیده ۲** تست هون دار و (الشیر بر انگیزه) به تذکری که در درس نامه قبل از بخش «قافیه در شعر نو» دادیم، دقت کنید؛ درست خواندن کلمات خیلی مهم است. در همین تست کافیسست «گل» را «گل» بخوانید تا در دام بیفتید! شاعر در مصراع دوم، شعله آتش را به گل تشبیه کرده است. «دل» و «گل» هم که با هم قافیه نمی شوند.

درسی سارگینه ها ۱ «ست» مخفف «است» ردیف و «نادان تر» و «ذر» هم با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می سازند. (ترکیبی از نکات ۳ و ۱۱ در این گزینه وجود دارد).

۲ یک تله تستی مهم! «کشید» در مصراع اول جزء دوم فعل «سرسکشیدن» است و «کشید» در مصراع دوم به معنی «رسم کردن» است. قلم بر سر چیزی کشیدن، یعنی روی آن چیز را خط زدن و معنای کنایی (باطل کردن، حذف کردن و ...) دارد. پس کلمه «کشید» در دو معنای مختلف به کار رفته و قافیه صحیح است (ترکیب نکته ۵ و نکته ۱۱)

۴ «راهزن» و «پیرهن» با حروف مشترک «ن» طبق قاعده ۲ قافیه می سازند.

۳۸۹- **گزیده ۲** **درسی گزیده ها**
بیت ۱: «ما راست» تکرار شده - «جدایی و خدایی» جناس ناقص است.
بیت ۲: «سور» در معنای «جشن» تکرار شده است. «مور و سور» جناس ناقص است.

بیت ۳: «کلام و سلام»: جناس ناقص

بیت ۴: کنار اول — آغوش، کنار دوم — طرف

۳۹۰- **گزیده ۲** **درسی گزیده ها**

بیت ۱: سلامت و ملامت — اختلافی

بیت ۲: بیار - بیار — اختلافی

بیت ۳: گل و گل — حرکتی

بیت ۴: طلعت و طلوع و طالع — اشتقاق

۳۹۱- **گزیده ۲** **درسی گزیده ها**

بیت ۱: زهره و زهره — حرکتی

بیت ۲: مهر - مهر — حرکتی

بیت ۳: بهرام تکرار است (گور جناس تام دارد).

بیت ۴: روان اول: روح / روان دوم: جاری — تام

۳۹۲- **گزیده ۲**

بیت ۱: محبان - محبت

بیت ۲: نظم - ناظم / شعر - شاعر

بیت ۴: دلیل - دلالت

۳۹۳- **گزیده ۱** «می گنی و می گنی» جناس حرکتی و «ریش» و «خویش» جناس اختلافی دارند.

درسی سارگینه ها

بیت ۲: خویش اول: خود / خویش دوم: خویشاوند — تام

بیت ۳: دستان اول: حیل / دستان دوم: زال، پدر رستم — تام

بیت ۴: مهر اول — محبت / مهر دوم: ماه اول پاییز — تام

۳۹۴- **گزیده ۲** بیت (الف): آیین - آینه — افزایشی / سینه - کینه — اختلافی

بیت (ب): مهر - مهر — حرکتی

بیت (پ): جفا - جفا — اختلافی

۳۹۵- **گزیده ۲** ۱ خویش و خویش: جناس تام

۲ آرام و رام: جناس افزایشی

۳ حلم و علم: جناس اختلافی

۳۹۶- **گزیده ۱** الف: مدام و دام — افزایشی

ب: نعمت و نعیم — اشتقاق

پ: باز (پرنده) و باز (گشوده) — تام

۳۹۷- **گزیده ۲** در این بیت جناس اختلافی وجود ندارد.

۱ این دو کلمه آوای کاملاً یکسان دارند و می توانند به یک شکل هم نوشته شوند، اما معنای آن ها کاملاً متفاوت است.

یک کلمه می تواند با ترکیب دو کلمه جناس تام بسازد —

درمان اند، درمانند / بیتوا، بی نوا و ...

۲ نیاز و ناز: جناس افزایشی هستند.